

هو العليم

شمه‌ای از حالات علی بن الحسین زین العابدین علیهما السلام

حضرت علامه آیه الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی

امام شناسی، جلد ۱۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در ریاض السالکین آورده است: او زین العابدین و سید الزاهدین و قدوة المقتدین و امام المؤمنین ابوالحسن و ابومحمد علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب می باشد. مادرش شاه زنان دختر یزدجرد بن شهریار بن کسری است. و گفته شده است: نام او شهربانویه بوده است و راجع به اوست آنچه را که ابوالاسود دلی سروده است:

وَإِنَّ غَلاماً بَيْنَ كَسْرِي وَهَاشِمٍ * * لَأَكْرَمُ مَنْ نِيَطَتْ عَلَيْهِ التَّمَائِمُ

سنه سی و هشت از هجرت در مدینه متولد گشت قبل از دو سال از رحلت جدش امیرالمؤمنین علیه السلام، و مدت دو سال با جدش بود، و با عمویش حضرت امام حسن علیهما السلام، دوازده سال، و با پدرش امام حسین علیه السلام بیست و سه سال، و پس از پدرش سی و چهار سال، و در سنه نود و پنج هجری در مدینه رحلت نمود در حالی که از عمرش پنجاه و هفت سال می گذشت، و در بقیع در قبری که عمویش امام حسن علیه السلام بود در قبّه ای که در آن عباس بن عبدالمطلب مدفون است به خاک سپرده شد. و به او ذوالثغفان گویند؛ چون ثغنه با کسره فاء، در انسان به معنی زانو و مفصل ساقه پا و ران می باشد و این بدان سبب بود که طول سجده های آن حضرت در زانوها اثر گذارده بود. زهری گوید: من هیچ کس از هاشمیین را افضل از علی بن الحسین ندیدم. و از حضرت امام باقر علیه السلام روایت است که: عادت علی بن الحسین علیه السلام چنان بود که در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می گزارد و باد او را مانند شاخه گندم تکان می داد. و چون وضو می ساخت رنگش زرد می شد. اهل او به وی گفتند: این چه عادتی است که در حال وضو داری؟ در پاسخ فرمود: آیا می دانید من در مقابل چه کسی اراده قیام دارم؟!

و ابن عائشه گفت: شنیدم از اهل مدینه که می گفتند: ما از صدقات سرّی محروم نشدیم مگر هنگامی که علی بن الحسین علیهما السلام جهان را بدرود گفت. و چون رحلت نمود و بدنش را برای غسل برهنه کردند؛ حاضران متوجّه آثار برآمدگیهایی در پشتش شدند و پرسیدند: اینها چیست؟ پاسخ داده شد: او شبها ظرفهای پوستی از آرد را بر دوشش برای مستمندان مدینه حمل می کرد و در پنهانی بدیشان می رساند و این آثار آن پوستهاست. و وی [امام سجاد علیه السلام] می فرمود: **إِنَّ صَدَقَةَ السِّرِّ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ**. «صدقات پنهانی، خشم پروردگار را خاموش می کند.»

و از علی بن ابراهیم از پدرش روایت است که: علی بن الحسین علیه السلام پیاده حج می کرد و مسافت فیما بین مدینه و مکه را در بیست روز و شب می پیمود. و از زرارة بن أعین وارد است که: در نیمه شب سائلی می گفت: کجایند زاهدین دنیا و راغبین به آخرت؟! شنید که هاتفی از ناحیه بقیع که صوتش را می شنید و خودش را نمی دید جواب داد: اوست علی بن الحسین علیهما السلام. و از طاووس روایت است که گفت:

شبی در هجر اسماعیل بودم که علی بن الحسین وارد شد. با خود گفتم: مردی است صالح از اهل بیت نبوت، بروم و به دعایش گوش فرا دارم! شنیدم که می‌گفت: **عَبِيدُكَ بِفَنَائِكَ، مَسْكِينُكَ بِفَنَائِكَ، فَقِيرُكَ بِفَنَائِكَ**. من این دعا را در هیچ شدتی نخواندم مگر آنکه موجب فرج و گشایش من شد.

ز مخشری در ربیع الأبرار حکایت کرده است که چون یزید بن معاویه جیش خود را به سرداری مسلم بن عقبه برای قتل و غارت و هتک نوامیس اهل مدینه گسیل داشت، علی بن الحسین چهار صد زن از مخالفین خود را با حشم و خدمتکارانشان ضمیمه عائله خود نمود تا آنکه جیش مسلم از مدینه منصرف شد. یکی از آن زنان می‌گفت: **ما عِشْتُ و اللّٰه بين أبويّ بمثل ذلك الشريف**. «قسم به خدا که من در میان خانه پدر و مادرم چنین گذرانی که در خانه این مرد شریف کردم نکرده‌ام!»

و آن حضرت بسیار به مادرش مهربان بود. به وی گفتند: تو از جمیع مردمان به مادرت مهربانتر می‌باشی، پس چرا ما ندیدیم تو را با او که در یک کاسه غذا بخوریدی؟! حضرت فرمود: خوف آن دارم که به لقمه‌ای که چشم او افتاده است دست من سبقت گیرد و بنابراین خود را عاق کرده باشم. به او گفته شد: حالت چطور است؟ فرمود: به واسطه قرابت با رسول خدا در خوف به سر می‌برم در حالی که جمیع اهل اسلام به انتساب به رسول خدا در امان می‌باشند.^۱

^۱ امام شناسی، ج ۱۵، ص ۳۵.